

باسمه تعالی

بررسی و تحلیل اقتباس از آیات و احادیث در مکاتیب سنایی

از جهت لفظی (دستوری و بلاغی) و معنوی

صاحب کرسی: مریم باقی استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قم

چکیده

اقتباس و استفاده از آیات وحی و احادیث نبوی در متون نثر فارسی و عربی بعد از اسلام امری رایج بود که به اقتضای معنی یا برای آرایش و زینت کلام به روش‌های مختلف به کار می‌رفت. این کاربرد در انواع متون نثر فارسی اعم از عرفانی، مکاتیب، قصص و تواریخ و ... کم و بیش رایج بود. مکاتیب سنایی از جمله متون نثر فنی در قرن ششم است که در آن، آیات و احادیث، به وفور و برای اغراض مختلف و به شیوه‌های متعدد با رعایت پیوستگی لفظی و معنایی با متن فارسی آن به کار رفته است. در پژوهش حاضر سعی بر آن است تا جنبه‌های مختلف ارتباط لفظی و معنوی عبارات قرآنی و حدیثی با متن فارسی آن بررسی شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در مکاتیب از جهت لفظی، آیات و روایات به عنوان جزئی از نثر فارسی دارای نقش‌های مختلف دستوری هستند و از نظر بلاغت هم در بعضی عناصر بلاغی به کار می‌روند. اقتباس‌های قرآنی و حدیثی از نظر معنوی نیز با متن فارسی پیوستگی دارند و برای متمیم و تکمیل کلام و تأیید و تأکید آن استعمال شده‌اند.

مقدمه:

الف. آیات و احادیث در متون نثر فارسی، در ابتدا به اقتضای معنی یا به عنوان تأیید و تأکید و بیش‌تر به طریق نقل قول مورد اقتباس قرار گرفت و به تدریج و افزون بر مقاصد یاد شده، برای آرایش و زینت کلام نیز کاربرد یافت. مهم‌ترین آثار منثور سنایی نامه‌هایی است که به همت نذیر احمد گردآوری و عنوان مکاتیب بر آنها نهاده شده است. این کتاب دربردارنده هفده مکتوب است که سنایی آن‌ها را خطاب به دوستان، وزرا و صدور غزنین و بهرام شاه غزنوی نوشته است. مضامین این نامه‌ها، بیان خواسته‌ها، طرح گله و شکایت از رفتار دوستان، دفاع از اصول عقاید خود و رد اتهاماتی است که به وی نسبت داده‌اند. در این اثر، سنایی با زبانی آهنگین و با هنر نمایی در سبک انشا و نگارش، به بیان عواطف و احساسات خود نسبت به مخاطب و طرح اهدافی که درون مایه‌های اصلی نامه‌های او را تشکیل می‌دهد، می‌پردازد. یکی از ابزارهای سنایی در به کارگیری این زبان هنری در نثر مکاتیب، اقتباس‌های مکرر از آیات قرآن و احادیث نبوی (حدود ۱۰۰ آیه و ۵۰ حدیث) است که در بافت کلام جای گرفته و با متن فارسی پیوستگی محکمی دارد.

۱. ارتباط لفظی آیات و احادیث مکاتیب با متن آن:

بسیاری از آیات و احادیث در مکاتیب به اقتضای متن و بدون هیچ فاصله‌ای که آن‌ها را از نثر فارسی مجزا نشان دهد، به نثر می‌پیوندند. از این رو از نظر دستوری، عهده دار نقش‌های گوناگونی می‌گردند.

۱-۱. کارکرد های دستوری:

- نقش فاعل: «شکورٌ حلیمٌ» از زمره سؤال کند که «إِصْطَنَعُ إِلَيْهِ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِهِ مَعْرُوفًا هَلْ شَكَرْتَ عَبْدِي؟» (سنایی،

(۱۹:۱۳۶۲). (همان: ۱۰۴)

این گونه آیات که در نقش فاعل ظاهر گردیده اند، بیان کننده اسمی از اسامی حق تعالی هستند و کاربرد آنها در متن، با موضوع و مطلبی که سنایی بدان می پردازد، تناسب و هماهنگی دارد؛ در مثال نخست، سنایی با طرح حدیث قدسی مربوط به لزوم شکر گزاری انسان ها نسبت به همدیگر، از خداوند به عنوان گوینده این حدیث، با تعبیر قرآنی « شکورٌ حلیمٌ » یاد می کند تا این نکته را یادآوری کند که خداوند پیش از مکلف کردن بندگان به قدردانی از یکدیگر، خود آراسته به این صفت است. سایر موارد: ۵۸-۷۴-۱۱۴-۱۱۵.

۱-۱-۲. **نقش نهاد (مسند الیه):** « اِحْسَنُوا فِيهَا وَ لَاتُكَلِّمُونِ » نعت مختصرانی است که ایشان عاشق صورتی اند که امروز بازی راست و فردا غمازی را (همان: ۳۹). (همان: ۸۸).

گروه نهادی: الف « انا خیرٌ منه » در ابلیس گشت و نون « انا ربکم الاعلی » عقابین فرعون (همان: ۱۱۳).

۱-۱-۳. **نقش مسند:** من تا آن امانت را که گواهی آن « حَمَلَهَا الْاِنْسَانُ » است قبول کرده ام، امانت هیچ دزد از برای مزد نپذیرفته ام (همان: ۸۳).

۱-۱-۴. **نقش مفعول:** شرعی که در ولایت آن « حُسْنُ الْعَهْدِ مِنَ الْاِيْمَانِ » وضع کرده باشند، هیچ فاسق و ممخرق آن را نسخ [نتواند کرد] (همان: ۳۴). سایر موارد: ۳-۳۴-۴۰-۷۷-۱۱۰-۱۱۵.

۱-۱-۵. **نقش متمم:** تا کار به « شياطين الانس و الجن » چه رسد؟ (همان: ۱۱۹).

۱-۱-۶. **نقش قید:** آزادگانی که از حظیره قدس، « علی سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ »، در یک مجلس مزدوج باشند مکاتبت میان ایشان سمج باشد (همان: ۸۷). (همان: ۴۱).

۱-۱-۷. **نقش بدل:** دستش از همه دست آویزها کوتاه کرده باشند، مگر از سه چیز: « صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ » [...] « و علمٌ يَتَنَفَعُ بِهِ » [...] « و وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ » (همان: ۶-۵).

۱-۱-۸. **جمله های پایه و پیرو:**

در مکاتیب، آیات و روایات به عنوان جمله پیرو، معمولاً با حرف ربط «که» به جمله فارسی پایه پیوسته اند:

- پیوسته شطر کلمه این سطر بر دیده دل او عرضه می کند که «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْؤُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ» (همان: ۲۹). سایر موارد: ۵-۳۲-۵۳-۵۴-۵۵-۵۸-۶۰-۶۳-۶۸-۶۹-۷۲-۷۳-۸۸-۹۱-۹۷-۱۰۹-۱۱۲.

۱-۱-۹. **نقش اضافی:** این نقش، بالاترین بسامد را در بین نقش های دستوری آیات و احادیث در نثر مکاتیب، به خود اختصاص داده است. انواع اضافه های به کار رفته در متن، از این قرار است:

اضافه تخصیصی: الف « انا خیرٌ منه » در ابلیس گشت و نون « انا ربکم الاعلی » عقابین فرعون (همان: ۱۱۳). (همان: ۳۸)

اضافه توضیحی: قصه « و جاؤوا اباهم عشاءً یبکون » فراموش کرده (سنایی، ۱۳۶۲: ۶۰). (همان: ۵).

اضافه بیانی: (تنها نمونه) عوانانش را به استیلای « و اَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجَلِكَ » گشادنامه ای است (همان: ۴۱). معنای مرکزی آیه، « غلبه و استیلای سپاهیان شیطان » است. سنایی این معنا را از آیه فوق بیرون کشیده و با اضافه به خود آیه، به صورت ترکیب اضافی در آورده است. با بازکردن ترکیب، این صورت حاصل می گردد: « غلبه و استیلایی از نوع استیلایی که در آیه آمده است ».

اضافه تشبیهی: نهنگ « لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ » همه روی ها و سوی ها در پیش سراپرده سبحانیت بیو باریده است و نقش « ثالث ثلاثه » در حوصله مثنی بی حوصله جاثلیق و مطران بنهاده (همان: ۱۰۲). (همان: ۷۱)

در ادامه، با تفصیل بیشتر از این نوع اضافه سخن به میان خواهد آمد.
نوعی اضافه در مکاتیب به کار رفته که در آن، آیه یا حدیث به جای یک کلمه و به شکل ترکیب اضافی کاربرد یافته است. روزی که صیحه « نُفِخَ فِي الصُّورِ » سلسله های حسب مجازی بگسلد (سنایی، ۱۳۶۲: ۱۱۴)، یعنی صیحه « قیامت ». (همان: ۴۲) (همان: ۳) (همان: ۹۶)

۲-۱. کارکرد های بلاغی

۱-۲-۱. تشبیه: قسمت عمده این ترکیبات و تصویرها، برگرفته از لوازم و ادوات کتابت و نویسندگی است که این امر، تناسب ادوات یادشده را با ترسلات و نامه نگاری های سنایی خاطر نشان می سازد.
منشور « إن جاءكم فاسق بنبأء »، تویع « إن بعض الظن إثم » در این عبارت: چرا در نخیلات دیو منشور « إن جاءكم فاسق بنبأء » عاقل وار بردین خود نخواند و چرا در تسویلات نفس تویع « إن بعض الظن إثم » مسلمان وار بر عقل خود عرضه نکرد؟ (همان: ۸۱). (همان: ۷۴)

سایر تصاویر که در حکم مشبه به برای آیات و احادیث (مشبه) و در جایگاه مضاف واقع گردیده اند، یا مربوط به عناصر طبیعت اند؛ تصاویری از این دست: بیشه « سبعا شداداً » (همان: ۷۱)، نهنگ « لا إله إلا الله » (همان: ۱۰۲)، مشیمه « أوّل الفکر » (همان صفحه) و یا بر گرفته از مظاهر زندگی بشری اند: حظیره « علی سُرر متقابلین » (همان: ۱۰۲)، گداکده « ظلومی و جهولی » (همان: ۵۴)، خیل تاشان « حزب الشیطان » (همان صفحه) و

۲-۲-۱. کنایه: مپوش بر خدای عزوجل حالی که بر حضرت « لایخفی علیه شیء » پوشیده نیست (سنایی، ۱۳۶۲: ۸۳).
حضرت « لایخفی علیه شیء » کنایه موصوف از خداوند است. (همان: ۷۵).

۳-۲-۱. مجاز: از این دو نقاش مجازی تجنب نمایند تا از خیل تاشان « حزب الشیطان » نباشند، تا در مزلقات این « طین لازب » نمانند (همان: ۵۴). « طین لازب » (گل چسبنده) مجاز از انسان است (به علاقه ما کان)

۴-۲-۱. سجع: روح مقدس او را مضطرب کرده، مستی هذیان نامتقارب و ترهات لامتناسب - هر چند « هو الجبل القاصف لا یزحزحه العواصف » (سنایی، ۱۳۶۲: ۶۱). « قاصف » و « عواصف » مسجع اند. (همان: ۲۳).

۵-۲-۱. جناس: سباعتی که در بیشه « سبعا شداداً » ساکن بودند، پنجه ها گشادن گرفتند (همان: ۷۱). میان دو کلمه « سباع » و « سع »، جناس وجود دارد. (همان: ۳۰).

۲. ارتباط معنوی آیات و احادیث مکاتیب با متن آن:

۱-۲-۱. تکمیل و تکمیل: « در این نوع که بالاترین حد تناسب و ظرافت و دقت در فن اقتباس به شمار می آید، آیات و احادیث، نه تنها از جهت لفظ، بلکه از نظر معنی نیز با اتساق و اتصال کامل در دنبال عبارات فارسی آورده می شود و بی هیچ گونه جدایی و تمایز لفظی، بدان می پیوندد ». در این قسم که بیش ترین میزان کاربرد را در مکاتیب دارد، همه آیات و روایات دارای نقش دستوری یا بلاغی هستند و با هنرمندی خاصی، با نثر فارسی آن ترکیب شده اند:
- در تمنای آن بودم که از گریبان او ماه بینم و از دهان او پیوسته دُر چینم، و لکن « لیس الدین بالتمنی و لا بالتجلی » (همان: ۲۳). (همان: ۶۱). (همان: ۱۱-۱۲).

در نمونه های یاد شده، عبارات قرآنی و حدیثی جزئی از بافت طبیعی کلام به شمار می آید؛ به گونه ای که اگر از متن حذف شود، جمله های فارسی از نظر معنا دچار اختلال خواهند شد.

۲-۲. تأکید یا تأیید معنی قبل: در این نوع که پس از جنبهٔ متمیم کلام، بیشترین کاربرد را در مکاتیب دارد، سنایی ابتدا مفهوم آیه یا حدیثی را که می‌خواهد تضمین کند، به نثر بیان می‌کند؛ سپس همان آیه یا حدیث را برای تأکید آن مفهوم می‌آورد:

- نامه نبشتن کار ماست که پادشاهیم و اعلام کردن ما را سزاست که از کنه کائنات آگاهیم « الله يعلم ما تحمل کل أنثی » (همان: ۱۰۹ و ۱۱۰). سایر موارد: ۲۱-۲۲-۲۳-۵۵-۵۶-۵۷-۶۱-۶۸-۷۷-۱۰۹-۱۱۲.

تاکید کلام به شکل نقل قول نیز در مکاتیب آمده که در بیشترین موارد، جدا کردن آن را از بافت متن ناممکن می‌سازد:

- قرآن کریم از مثنوی رعناي متمنی حکایت کرد: « یحبون أن یحمدوا بما لم یفعلوا » (همان: ۲۴). (همان: ۱۸).

گاهی نیز این نقل قول‌ها به گونه‌ای است که با حذف آن‌ها، پیوند معانی نخواهد گسیخت:

- جوری که از آن کار شگفت‌تر نبود، ظلم جاهلان بود که بر عالم است و مصداقش قول مصطفی صلوات الله علیه: « ارحموا ثلاثه: غنی قوم افتقر و عزیز قوم ذل و عالم بین الجهال » (همان: ۱۱۹). (همان: ۱۱۸).

۲-۳. حل معانی:

« در این نوع که یکی از فنی‌ترین اقسام اقتباس است، نویسنده برای اشاره به آیه یا حدیث خاصی، یک یا چند کلمه مشخص از آن را به شکلی هنری در متن کلام فارسی می‌گنجاند:»

- چون سلطان نبوت را و شهنشاه دعوت را از فضای لامکان به واسطهٔ « کن فکان » به رسولی ولایت دست کرد « خلقتی بیدی » نامزد کردند (همان: ۷۱-۷۰). (همان: ۶۵)

عبارت‌های « کن فکان » و « خلقتی بیدی »، یادآور آیهٔ « اد شیه ما ان یقول له کن فی کون »

بَدِيعُ السَّمِوَاتِ (يُوسُفُ ۱۸) وَ هُوَ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ « قَالَهُ رَبِّي رَبِّي لَو لِي سُلْطَانٌ مَّا مَتَّعْتُكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَن آخَلَقتُ بِيَدَيْ » (ص: ۷۵).

نتیجه:

اقتباسات قرآنی و روایی یکی از ویژگی‌های بارز نثر فنی است که در مکاتیب سنایی به سبکی هنرمندانه استعمال شده است. سنایی با توجه به اقتضای کلام، آیات و احادیث را به گونه‌ای با بافت متن در آمیخته که در نثر فارسی، غریب و ناهمگون به نظر نمی‌رسند.

او پیوند معانی را از دو جهت لفظی و معنوی به خوبی مراعات می‌کند و نثر را پیاپی از فارسی به عربی و از عربی به فارسی سوق می‌دهد؛ بدون آن که در این تبدیل، اختلالی در لفظ و معنی عبارت رخ دهد. سنایی در عین حال، به آرایش لفظی کلام نیز توجه ویژه دارد. از نظر لفظی، آیات و احادیث در نسج کلام نقش‌های مختلف دستوری دارند و از نظر بلاغی هم حائز اهمیت هستند. از نظر معنوی نیز، این تضمین‌ها با متن فارسی پیوستگی محکمی دارند و بیش‌تر جهت متمیم و تکمیل کلام و تأیید و تأکید آن آمده‌اند. هم‌چنین استفاده مکرر سنایی از کلام وحیانی و نبوی، علاوه بر این که نشان‌دهنده تسلط او بر زبان عربی است، کتابش را به اثری اخلاقی نزدیک می‌کند.